

## پیام آیت الله وحید خراسانی بجناسبت عید غدیر

آیت الله وحید خراسانی از مراجع معظم تقلید قم، بمناسبت فرا رسیدن عید غدیر خم پیامی صادر فرمودند. به گزارش رجانیوز به نقل از وبسایت این مرجع معظم تقلید به این شرح است:

خداوند متعال در این آیه ولایتی را که برای خدا و رسول خداست برای علی مرتضی قرار داد. این مقام را که حق خدا و خاتم انبیاست به کسی داد که با استغراق در عظمت خداوند علی عظیم، هنگام امتثال امر "فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ" از خطاب "وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ" غافل نمی شود ... بسم الله الرحمن الرحيم قال الله تعالى: "وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ" یکی از اسماء روز قیامت، در قرآن مجید، روز حسرت است، روزی که درجات بهشت وابسته به کمیت و کیفیت اعمال صالحه و اخلاق فاضله و مراتب علم و ایمان است: "يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ"، "وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا". اشقیاء در حسرت حرمان از سعادت، و سعادتمندان در حسرت درجات برتر و مقامات بالاترند. شیخ مفید روایتی از امام حسن بن علی -علیهما السلام- نقل می کند که فرمود: "کسی که به قلبش دوست ما و به دست و زبانش یاور ما باشد با ماست در آن غرفه ای که ما در آن هستیم". مقامی برتر از مقام خاتم و وصی خاتم نیست که تمام انبیا و اولیا در قیامت کبری، در سایه ی لوای حمد آن صدر نشین مقام محمودند که خدا فرمود: "عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا"، و رسول خدا -صلی الله علیه و آله - فرمود: "آدم فمن دونه من الأنبياء تحت لوائی". محب خاندان عصمت، به قلبش و یاور آنان به دست و زبانش، همنشین شمس و قمر و نجوم آسمان نبوت و امامت است. امید است در ایام غدیر - از پانزدهم تا بیست و پنجم ذی الحجه - این توفیق نصیب خدمتگزاران آن خاندان بشود و در همه ی مساجد و مجالس، وقایع آن ایام تبیین، و گویندگان و شنوندگان مشمول دعای صادق آل محمد - صلوات الله علیهم اجمعین - شوند که فرمود: "رحم الله من أحیی أمرنا". در این ایام به فرمان خدا به خاتم انبیاء - "فَأَتَى ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ" - رسول خدا - صلای الله علیه و آله - فدک را به صدیقه ی کبری - سلام الله علیها - داد، و در این ایام آیه ی تطهیر، در شأن خاتم انبیا و سید اولیا و سیده النساء و دو زینت عرش خدا نازل شد. اختصاص طهارت از هر رجس و پلیدی به اهل بیت عصمت به این آیه ی کریمه: "إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا" ثابت می کند که عقل مستمد از علم خدا و منزله از هوی، و اراده ی فانی در رضای خدا که غرض از خلقت عالم و خلافت آدم است، نور علی نوری است که نفوس قدسیه ی این پنج تن به آن منور است. صحت روایت واراده در اختصاص مصداق آیه هنگام نزول به این پنج تن، مورد اتفاق اهل تفسیر و حدیث است. در این ایام خاندان امامت از کبیر و صغیر برای وفای به نذر، روزه گرفتند، و قوت افطار را شب اول به مسکین و شب دوم به یتیم، و روز سوم با آن که بدن ها از گرسنگی می لرزید، راضی نشدند اسیر کافری که دست به درگاهشان دراز کرده بود، ناامید برگردد و به آن، ایثار رحمت رحمانیه خدا را بر مسلمان و کافر، نشان دادند. چون رسول خدا - صلای الله علیه و آله - دید حسنین از گرسنگی می لرزند و دخترش با چشمان به گودی نشسته، در حال نماز به راز و نیاز با خداوند متعال است، در همان حال، جبرئیل سوره ی انسان را نازل کرد. اعظم علمای مسلمین و محدثین معترف هستند که "وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا، إِنَّمَا تُطْعَمُونَ لِرُجْحِ اللَّهِ لَأُزِيدَ مِنْكُمْ جَزَاءً وَكُلًّا شُكْرًا" در شأن این خاندان نازل شد. خداوند در این سوره که سوره ی انسان نامیده شده است، غرض از خلقت انسان را که حامل امانت خداوند سبحان است، در عمل این ابرار نشان داد که چگونه از خود گذشته، با خلق خدا برای رضای خدا منتهای رأفت و رحمت را نشان دادند و به عروج به مقام "إِنَّمَا تُطْعَمُونَ لِرُجْحِ اللَّهِ" به جایی رسیدند که خدا در این سوره به رسول خدا - صلای الله علیه و آله - فرمود: "وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا". روز بیست و چهارم این ماه به نقل شیخ طوسی، روز خاتم بخشی امیرالمؤمنین - علیه السلام - است که اعیان علمای خاصه و عامه از مفسرین و محدثین، شأن نزول آیه ی کریمه "إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ" را انگشتر بخشی آن حضرت در حال رکوع دانستند. به نقل روایتی از ابی ذر غفاری از تفاسیر عامه اکتفاء می کنیم که گفت: روزی با رسول خدا - صلای الله علیه و آله - نماز ظهر را خواندم. سائلی در مسجد سؤال کرد. کسی چیزی به او نداد. دست به آسمان بلند کرد و گفت: بار الها! شاهد باش در مسجد پیغمبر سؤال کردم، احدی به من عطایی

نکرد. علی - علیه السلام - در نماز در حال رکوع دست راستش را به جانب او دراز کرد. سائل انگشتر را از انگشت او گرفت. و آن واقعه در مرأی و منظر رسول خدا - صلی الله علیه و آله - بود. آن حضرت رو به آسمان با خدای خود گفت: برادرم موسی از تو سؤال کرد و گفت: "رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي، وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي، وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي، وَيَفْقَهُوا قَوْلِي، وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي، هَارُونَ أَخِي، اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي، وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي"، بر او نازل کردی: "سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ"، بارالها! من محمد - صلی الله علیه و آله - نیستم و تو برگزیده تو هستم " اشرح لی صدری ویسّر لی امری واجعل لی وزیراً من اهلی علیاً اشدد به ازری ". ابی ذر گفت: دعای آن حضرت تمام نشده بود که جبرئیل نازل شد ، گفت: یا محمد بخوان: "إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ". خداوند متعال در این آیه ولایتی را که برای خدا و رسول خداست برای علی مرتضی قرار داد. این مقام را که حق خدا و خاتم انبیاست به کسی داد که با استغراق در عظمت خداوند علی عظیم، هنگام امتثال امر "فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ" از خطاب "وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ" غافل نمی شود و در حال محو در لاهوت، محیط بر ناسوت است و در اوج ملکوت مُلک را زیر نظر دارد، و این آیت "لا يشغله شأن عن شأن" است که مقام رابط بین خالق و خلق، و ولی الله علی الاطلاق است کتاب خدا و سنت رسول خدا که فرمود: "ألا ترضى أن تكون مني بمنزلة هارون من موسى إلا أنه ليس نبيّ بعدی"، حجت بالغه الهیه بر خلافت بلافصل علی بن ابی طالب -علیهما السلام- است. بیست و پنجم این ماه روز مباحله است که روز اتمام حجت خدا بر رسالت خاتم النبیین و خلافت بلافصل امیرالمؤمنین و اثبات عصمت آل عبا است. اجماع علمای امت بر آن است که در مباحله اُتْبَاءُ تَاَّ منحصر در حسن و حسین -علیهما السلام- و تنها مصداق نِسَاءُ تَاَّ فاطمه ی زهرا -سلام الله علیها- است و مراد از اَنْفَسْنَا رسول خدا - صلی الله علیه و آله - و علی مرتضی است. زمخشری می گوید: در مباحله دلیلی است که قوی تر از آن نیست به فضل اصحاب کساء و در آن برهان واضحی است به صحت نبوت نبیّ، چون احدی از موافق و مخالف روایت نکرده است که نصاری دعوت آن حضرت را اجابت کرده باشند. پس از آن که رسول الله - صلی الله علیه و آله - علمای نصاری را به توحید خداوند کم یلد و کم یولد دعوت نمود و آنان از ایمان به "إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ" سر باز زدند، آنها را به مباحله دعوت کرد تا حق از باطل به لعنت خدا بر دروغگویان روشن شود. رسول خدا - صلی الله علیه و آله - حسین - علیه السلام - را در آغوش کشید و دست حسن - علیه السلام - را گرفت و پشت سر آن حضرت، فاطمه ی زهرا -سلام الله علیها- و پس از آن، علی مرتضی - علیه السلام - برای دعا آمدند. اسقف اعظم چون آن منظره را دید، گفت: چهره هایی را می بینم که اگر از خدا بخواهند کوه را از جا بردارد، خدا اجابت می کند، اگر با آنان مباحله کنید تا قیامت از نصاری کسی روی زمین نخواهد بود. ذلت تسلیم و اداء جزیه را پذیرفتند و خط بطلان بر آئین مسیحیت کشیدند. به نزول این آیه ثابت شد که به جز این پنج تن آبرومندی به درگاه خدا نبود که شایسته اجابت دعا در مباحله باشد. هنگامی که رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمود: هر گاه دعا کردم شما آمین بگوئید، به مقتضای تلازم بین شرط و جزاء، روشن شد که دعاء خاتم انبیا در آن عرصه باید با آمین آن چهار برگزیده ی خدا باشد. کتاب الله و سنت رسول الله - صلی الله علیه و آله - ثابت کرد که علی مرتضی نفس رسول خداست و با وجود نفس پیغمبر در میان امت، خلافت بلافصل، حق آن حضرت است و تخلف از این حق مخالفت با قرآن و سنت، و حکم عقل به بطلان ترجیح مرجوح بر راجح است. زید بن ارقم گفت: چون رسول خدا از حجة الوداع برگشت، در غدیر خم امر کرد سایبان هایی به پا داشتند. پس از آن گفت: "گویا من دعوت شدم و اجابت کردم، همانا دو چیز سنگین نفیس در میان شما گذاشتم که یکی از آن دو از دیگری بزرگتر است: کتاب خدا و عترت خودم. پس بنگرید چگونه با این دو رفتار می کنید. و این دو از هم جدا نمی شوند تا بر من در حوض وارد شوند" و بعد گفت: "همانا خداوند -عزّ وجلّ- مولای من است و من مولای هر مؤمنی هستم"، بعد دست علی را گرفت و گفت: "هر کس من مولای او هستم، این ولی اوست". این حدیثی است که صحت آن نزد اصحاب حدیث و علمای رجال، مسلم است و هر مسلمانی که به قرآن و سنت معتقد است باید به حکم "مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ" آن را بپذیرد. در این حدیث رسول خدا مَاتَرَكَ خود را برای امت، قرآن و عترت قرار داد و ملاک اثبات مولویت خود را برای امیرالمؤمنین جدا نشدن عترت از قرآن قرار داد و ثابت کرد که قرآنی که تیبان هر چیزی است "وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ" از علی جدا نیست و علی از کتابی که "لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ" جدا نیست. چنان که در حدیث صحیح نزد عامه و خاصه فرمود: "علی مع القرآن والقرآن مع علی لن يتفرقا حتّى يردا علی الحوض"، کسی که دارای چنین علم و عصمتی است باید به علمش مفسر کتاب خدا و به عملش، مجری احکام خدا باشد، تا غرض از نزول قرآن که اخراج بشریت از ظلمات فکری

و اخلاقی و عملی است و رساندن به نور سعادت ابد است، محقق شود، «کتاب انزلنا اِلَیْکَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ اِلَی النُّورِ». آیا وظیفه هر مسلمانی که خود را پیرو کتاب و سنت می داند با این آیات بیّنات چیست؟ ختام سخن حدیثی است که محدثین عامه به صحت آن اعتراف کرده اند و خلاصه ی آن، این است که جمعی نزد ابن عباس آمدند که به امیرالمؤمنین ناسزا می گفتند. ابن عباس گفت: به کسی ناروا می گویند که دارای ده فضیلت است و آن فضایل در احدی نیست: اول: در جنگ خیبر که دیگران رفتند و عاجزانه برگشتند، رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمود: "کسی را می فرستم که هرگز خدا او را ذلیل نکرده است، خدا و رسول محبوب او و او محبوب خدا و رسول است". اصحاب همگی در انتظارند که چنین کسی کیست؟ فرمود: "علی کجاست؟" آن حضرت با چشم رمَد دیده آمد و بعد از شفا به دست رسول خدا - صلی الله علیه و آله - رسول الله رایت را سه مرتبه به اهتزاز در آورد و به دست علی داد و خیبر را فتح کرد. دوم: رسول خدا - صلی الله علیه و آله - ابابکر را با سوره توبه، به جانب مشرکین فرستاد. پس از آن علی را فرستاد و سوره را از او گرفت و فرمود: "سوره را کسی نمی برد مگر کسی که او از من است و من از اویم". سوم: رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمود: "کدامیک از شما با من در دنیا و آخرت موالات می کند". کسی نپذیرفت. پس به علی فرمود: "تو ولی من هستی در دنیا و آخرت". چهارم: علی اول کسی بود از رجال صحابه که ایمان آورد. پنجم: رسول خدا - صلی الله علیه و آله - جامه ی خود را بر چهار نفر انداخت: علی و فاطمه و حسن و حسین و فرمود: "إِنَّمَا یُرِیدُ اللّهُ لَیذْهَبَ عَنْکُمُ الرِّجْسُ أَهْلَ الْبَیْتِ وَیُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیرًا". ششم: علی آن کسی بود که جامه رسول خدا - صلی الله علیه و آله - را پوشید و به جای رسول خدا خوابید، و مشرکین به گمان این که او پیغمبر است او را سنگباران کردند. "وَمِنَ النَّاسِ مَنْ یَشْرِی نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللّهِ". هفتم: در غزوه تبوک، پیغمبر علی را به جای خود در مدینه گذاشت. چون از فراق رسول خدا گریه کرد، فرمود: "منزلت تو به من منزلت هارون است به موسی، مگر آن که بعد از من پیغمبری نیست. سزاوار نیست من بروم مگر این که تو خلیفه من باشی". هشتم: رسول خدا - صلی الله علیه و آله - به علی - علیه السلام - فرمود: "تو بعد از من، ولی هر مؤمن و مؤمنه ای هستی". نهم: رسول خدا - صلی الله علیه و آله - تمام درهایی را که به مسجد آن حضرت باز می شد، بست به جز در خانه ی علی - علیه السلام -. دهم: رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمود: "من کنت مولاة فهذا علی مولاة". با این آیات بیّنات - که هر یک تاج افتخاری است که بر سر آن سرور دنیا و دین چون خورشید درخشان می تابد و مسلمانی نیست که تحت الشعاع آن آفتاب نباشد - حجت بر اهل دانش و دین بر خلافت بلافصل امیرالمؤمنین تمام است، و به حکم عقل و کتاب و سنت تقدیم مفضول بر فاضل، و ترجیح مرجوح بر راجح مردود است، و بر حکیم علی الاطلاق محال، و ساحت دینی که بر مبنای "إِنَّ اللّٰهَ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ" و رسالتی که بر اساس "وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ" استوار است، از آن منزّه است. "قُلْ هَلْ یَسْتَوِی الذِّیْنَ یَعْلَمُونَ وَالذِّیْنَ لَا یَعْلَمُونَ"، "قُلْ هَلْ یَسْتَوِی الْأَعْمَى وَالْبَصِیرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِی الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ" تا این جا روی سخن با هر مسلمانی بود که به خدا و کتاب خدا و رسول خدا - صلی الله علیه و آله - و سنت او ایمان دارد. اما وظیفه کسانی که خود را شیعه ی آن حضرت می دانند، نسبت به ایام غدیر و حق آن اول المظلومین چیست؟ امید است این مملکت که افتخار انتساب به آن حضرت را دارد در ایام غدیر مزین به زینت نشر آن فضایل و مناقب باشد، و هر کسی که دم از محبت او می زند، به دست و زبانش و مال و مقامش برای احقاق آن حق ضایع شده، آن چه در توان دارد، انجام دهد. ولم أر مثل ذاک الیوم یوما، ولم أر مثله حقاً أضحیاً.